



بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی با سلامت روانی در دانشجویان موسسه آموزش عالی
جهاد دانشگاهی خوزستان

عبدالمجید صباغ*

Amsgreen55@gmail.com

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی با سلامت روانی در دانشجویان دختر و پسر موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان است. بدین منظور ۱۰۰ نفر از دانشجویان این موسسه به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و آزمون های سلامت روانی (GHQ_28) و دلبستگی بزرگسال (RAAS) بر روی آنها اجرا شد. طرح پژوهش از نوع توصیفی همبستگی می باشد که پس از جمع آوری اطلاعات جهت تجزیه و تحلیل آنها از آماره های توصیفی و استنباطی نظیر میانگین انحراف معیار و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین سلامت روانی و سبک های دلبستگی دانشجویان دختر و پسر رابطه معناداری وجود دارد. کلمات کلیدی: سبک دلبستگی، سلامت روان و دانشجو

*عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان

مقدمه

دلبستگی را می توان جو حاکم بر روابط کودک با مراقب خود تعریف کرد. اینکه کودک مراقب خود را که معمولاً مادر اوست می جوید و به او می چسبد حاکی از وجود دلبستگی میان آن هاست و این رفتارها برای تسریع نزدیکی به فرد مطلوب، طراحی شده است (خوشایبی و ابوحمزه، ۱۳۸۶).

نظریه دلبستگی بر این باور است که دلبستگی، پیوندی جهان شمول است و در تمام انسان ها وجود دارد. بدین معنی که انسان ها تحت تاثیر پیوندهای دلبستگی شان هستند. بنابراین، والدینی که نسبت به نیازهای روان شناختی فرزندشان حساس اند و احساس امنیت آنها را برآورده می سازند، پایه گذار سلامت روانی آینده کودک خود هستند با دقت در مفهوم دلبستگی، چند نکته اساسی قابل استنباط است.

نخست اینکه دلبستگی یک پیوند و رابطه ی بین فردی است. دوم اینکه این رابطه، یک ارتباط عاطفی است و مسلم است که هیجان های مختلفی در این ارتباط درگیر خواهند بود و سوم اینکه این ارتباط نسبتاً پایدار است. بنابراین، این پیوند، حوزه های وسیعی از روابط بین فردی و درون فردی را در زمان حال و آینده، تحت تاثیر قرار خواهد داد.

وجود رابطه مثبت بین فرزند و مادر در موفقیت کودک اثر گذار است. زیرا بر اساس همین محبت، کودک انتظارات والدینش را می پروراند و اگر والدین انتظار موفقیت از کودک نداشته باشند و وابستگی را تشویق کنند، محبت والدین منجر به سطوح بالای موفقیت در کودک نخواهد شد. همچنین محبت والدین سبب می شود که، کودک خطر کند و دست به کاوش بزند و از رفتارهای متضاد با موفقیت دور باشد. (ماسن و همکاران¹، ۱۳۸۲).

شالوده ی سلامت روان، در زمان کودکی پی ریزی می شود و هیچ گاه از تکامل باز نمی ایستد. خانواده ای از سلامت روانی برخوردار است که همه افراد آن روابط خوبی با هم داشته باشند و تنش ها و درگیری هایشان باهم کم باشد در غیر این صورت خانواده از نظر سلامت روانی بیمارگونه است. با توجه به پی ریزی اساسی سلامت روان در دوران کودکی، می بینیم به تدریج که سن فرد بالا می رود



دراثر همین روند تکاملی است که رفتارهای کودکانه کنار گذاشته می شود و به جای آنها رفتارهای منطقی و مناسب سن از فرد سر می زند (به زراعی، 1382).

پژوهش پیرامون سلامت روان و راه های تحکیم بخشیدن به آن از موضوعات مورد پژوهش می باشد تا تدبیری به عمل آورند تا روز به روز به میزان سلامت روان افراد افزوده شود به عبارتی دیگر افراد هر روز با مسائل و مشکلات جدیدی برخورد می کنند که این مطلب نشانگر این است که مطالعه و تحقیق پیرامون سلامت روانی بسیار گسترده است و دراین راستا پژوهشگران همیشه مسیری در پیش رو دارند.

با توجه به تحقیقات انجام شده این پژوهش در پی آن است تا به بررسی رابطه ی سبک های دلبستگی و سلامت روانی در دانشجویان دختر و پسر موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان بپردازد. فرض اصلی پژوهش آن است که بین سبک های دلبستگی و سلامت روانی دانشجویان (دختر و پسر) موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنا داری وجود دارد.

دلبستگی عبارت اند از رابطه عاطفی پایدار، که شخص با شخص دیگر برقرار می کند. بنابراین دلبستگی، از، طریق رفتارهایی منعکس می شود که نزدیکی و تماس را مساعد می سازد (وندر زندن²، 1385).

سبک دلبستگی ایمن

دلبستگی ایمن نوعی دلبستگی می باشد که مشخصه نوباوگانی است که از جدایی والدین ناراحت می شوند و وقتی آنها برمی گردند به راحتی تسلی می یابند (برک³، 1386). افراد دارای این سبک دلبستگی در بزرگسالی از خطرات نمی ترسند زیرا در موقعیت های خطر زا خود را تنها احساس نمی کنند (میکولینس و همکاران⁴، 1384) تمایل به ایجاد ارتباط صمیمانه و مثبت با دیگران دارند و نسبت به افراد دارای دلبستگی نایمن عزت نفس بالاتری دارند (فینی و نولر⁵، 1990) به دیگران و دنیا اعتماد دارند (بالی⁶، 1973).

سبک دلبستگی اجتنابی

دلبستگی اجتنابی نوعی دلبستگی نایمن می باشد که مشخصه نوباوگانی است که معمولاً از جدایی والدین ناراحت نمی شود و وقتی آنها بر می گردند، از ایشان دوری می جوید (برک³، 1386). این افراد در بزرگسالی معمولاً همان ویژگی های کودکان اجتناب گر را دارند، و از این ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب می کنند (فینی و نولر، 1990).

سبک دلبستگی مضطرب - دوسوگرا

دلبستگی مقاوم نوعی دلبستگی نایمن می باشد که مشخصه نوباوگانی است که قبل از جدایی والدین نزدیک آن می ماند و وقتی آنها بر می گردند، رفتار خشم آگین و مقاوم نشان می دهند (برک³، 1386).

این افراد در بزرگسالی دلبستگی ای شبیه کودکان دو سو گرا دارند و در روابط عاطفی شان با دیگران انحصار طلب و وابسته اند (فینی و نولر، 1990). دائم نگران طرد شدن و رها شدن از سوی دیگرانند و با دلبستگی شدید به دیگران سعی در کاهش اضطراب جدایی خود دارند. این افراد نسبت به عواطف منفی شان در رابطه با تجارب کودکی خود هوشیارند و در نتیجه از احساس درماندگی و اضطراب شان نیز آگاهی دارند (میکولینس و همکاران⁷، 1384) بنابراین دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا با افزایش حساسیت در جهت منفی و با بالا رفتن میزان تظاهرات اضطراب مشخص می شود.

منظور از سبک دلبستگی در این پژوهش نمره ای است که آزمودنی از پرسشنامه سبک های دلبستگی کالینزورید (1990) کسب میکند. این پرسشنامه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی، مضطرب - دوسوگرا را می سنجد.

سلامت روانی

در مورد سلامت روانی، تعاریف نظری فراوانی وجود دارد و یک توافق جمعی و مشترک بین اندیشمندان رشته های مختلف، در این مورد وجود ندارد. مثلاً پزشکان و افرادی که بادیگاه پزشکان به این مسئله می نگرند، سلامت روان را منوط به نداشتن علائم بیماری تلقی می



نمایند و روانشناسان و روانپزشکان نیز فردی را از نظر سلامت روان سالم میدانند که دچار علائم روانی بیانگراختلال در کارکردهای روانی است نباشد و بتواند در هنگام مواجهه با مسائل و مشکلات اجتماعی، تعادلی در رفتارهایش برقرار نماید (میلانی فر، 1388).

لویسون و همکاران⁸ (1962)، معتقدند که سلامت روانی عبارت است از سلامت فکر، از این که فرد چه احساسی نسبت به خود و دنیا یا اطراف دارد، چگونگی سازش وی با درآمد خود و شناخت موقعیت و مکان وزمانی خویش است (میلانی فر، 1373).

پاتن⁹ (1994) استاد فلسفه دانشگاه هلسینکی، معتقد است که سلامتی روانی را با ایستی به منزله توانایی افراد برای دستیابی به اهدافی که برای خود در نظر گرفته است، تعریف نمود. (وردی، 1380).

فدایی (1373) معتقد است که فرد سالم کسی است از نظر کارکردهای روانی از جمله اندیشه، عاطفه، ادراک و رفتار دچار اختلال نباشد و با خود، خانواده و اجتماع، رابطه هماهنگ و صمیمانه داشته باشد و وظایف و مسئولیتهای خود را در قبال خانواده و جامعه، به خوبی انجام دهد (پورفرجی، 1380).

فرهنگ بزرگ روانشناسی لاروس، بهداشت روانی را چنین تعریف میکند: استعداد روان، برای هماهنگ، خوشایند و مؤثر کار کردن، برای موقعیتهای دشوار انعطاف پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خود توانایی داشتن (گنجی، 1386).

در این پژوهش منظور از سلامت روانی نمره ای است که فرد در پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ_28) کسب میکند. مبانی نظری

ریشه ی نظریه دلبستگی را میشود در منابع کردار شناختی، انسان شناختی و روان پویایی جستجو کرد. نظریه کردار شناختی دلبستگی¹⁰ که پیوند عاطفی بچه به مراقبت کننده را به صورت پاسخ تکامل یافته ای¹¹ میدانند که به بقا کمک میکند، دیدگاهی است که مقبولیت زیادی دارد. بالبی که اولین بار این عقیده را در مورد پیوند کودک - مراقبت کننده به کاربرد از تحقیقات لورنز¹² در مورد نقش پذیری در بچه غازها الهام گرفت. بالبی معتقد بود که بچه انسان مانند بچه سایر گونه های حیوانی، از یک رشته رفتارهای فطری برخوردار است که به نگه داشتن والد نزدیک او برای محافظت کردن از وی در برابر خطر و حمایت کردن از او منجر میشود، در عین حال تضمین میکند که بچه تغذیه خواهد شد، ولی بالبی خاطر نشان کرد که تغذیه ای برای دلبستگی ضروری نیست بلکه پیوند دلبستگی را در بستر تکاملی که در آن بقای گونه بیشترین اهمیت را دارد، بهتر میتوان درک کرد. به عقیده بالبی، رابطه بچهها با والد بصورت یک رشته علائم فطری آغاز می شود که والدی را به سمت بچه میکشاند. به مرور زمان پیوند عاطفی واقعی شکل میگیرد که تواناییهای شناختی و هیجانی جدید و تاریخچه مراقبت صمیمانه و محبت آمیز به آن کمک می کند (برک، 1387).

دیدگاه روان پویایی فروید اولین کسی بود که اظهار داشت پیوند عاطفی کودک با مادر مبنای تمامی روابط بعدی است و رشد بعدی تحت تأثیر تجارب دلبستگی اولیه نوزاد با مادرش می باشد (برک، 1387).

کودک در طی مرحله دهانی رشد خود، در حالتی از وابستگی به مادر یا مراقبی که هدف اصلی لیبیدوی او می شود، قرار دارد. یعنی کودک در حال یادگیری دوست داشتن مادر است. این که مادر چگونه به درخواستهای کودک پاسخ دهد. ماهیت دلبستگی کودک و همچنین دنیای کوچک نوزاد را تعیین میکند کودک از مادر یاد میگیرد که دنیا را خوب و ارضا کننده یا ناکام کننده و پر مخاطره ببیند (شولتز و شولتز¹³، 1384).

اریکسون، تأکید فروید بر اهمیت رابطه والد - فرزند همگام تغذیه را قبول داشت ولی او نظر فروید را گسترش داد و تکمیل کرد وی معتقد بود که ایجاد دلبستگی صمیمی در طول نوباوگی به کیفیت پرستاری و نه مقدار غذا یا تحریک دهانی بستگی دارد. اریکسون معتقد بود که هیچ مادری به طور کامل با نیازهای کودک خود هماهنگ نیست، اما در صورتی که مادر دلسوزانه و با محبت به بچه رسیدگی کند. تعارض روان شناختی سال اول - اعتماد بنیادی در برابر بی اعتمادی - به صورت مثبت حل میشود. همان طور که ذکر شد بچه ای که اعتماد میکند انتظار دارد دنیا خوب و خشنود کننده باشد، بنابراین در مورد کاوش کردن آن احساس اطمینان میکند همچنین کودکی که اعتماد ندارد نمی تواند روی محبت دیگران حساب کند، بنابراین با کناره گیری از دیگران و شرایط پیرامون خود، از خویشستن محافظت می کند (برک، 1387).



هورنای معتقد است که این اضطراب اساسی میتواند نتیجه اعمال گوناگون والد نسبت به کودک باشد که از آن جمله اند: نگرش سلطه گرانه، فقدان حمایت، فقدان محبت و رفتار نامنظم و متغییر. هر آن چه رابطه مطمئن بین والد و کودک را مختل میکند میتواند این اضطراب را برانگیزد. بنابراین، اضطراب اساسی، مادرزادی نیست بلکه از عوامل محیطی و علل اجتماعی ناشی میشود که در واقع با رفع عوامل زمینه ساز این اضطراب میتوان دنیایی امن را برای کودک تامین کرد (شولتز و شولتز، 1382).

دیدگاه انسان گرایی¹⁴ به نظر مازلو¹⁵ تجارب دوران کودکی در فراهم سازی امکانات یا بازداری از رشد بعدی به سوی خود شکوفایی دارای اهمیت ویژه می باشند. او تاکید میکند که محبت کافی در دوران کودکی به صورتی حیاتی به عنوان پیش نیاز برای خود شکوفایی اهمیت دارد. وی به ارضای نیازهای پایه در دو سال اول زندگی اشاره میکند. اگر شخص در این سالهای اولیه، احساس امنیت و قدرت نماید، هنگام روبرو شدن با مسائل بزرگسالی نیز همین گونه خواهد بود (کریمی، 1357). راجرز معتقد بود که تجربیات دوران کودکی میتوانند به شیوه‌های که فرد میتواند خود¹⁶ و محیط پیرامون را تجسم کند، اثر بگذارد؛ در عین حال وی تأکید مینمود که احساسها و هیجان‌های فعلی ما تأثیر بیشتری از تجارب ابتدایی در زندگی ما دارند. زمانی که خود در یک کودک نمایان میشود. کودکان نیاز به آن چه را که راجرز «توجه مثبت¹⁷» نامیده، پرورش می دهند. این نیاز از طریق یادگیری بوجود می آید این نیاز همگانی و مداوم است و شامل پذیرش، محبت و تایید شدن از جانب دیگران، مخصوصاً از جانب مادر در مدت کودکی است (شولتز و شولتز، 1384).

پیشینه پژوهش

وردی (1380) در پژوهشی به بررسی رابطه کمال گرایی و سرسختی روان شناختی با سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی اهواز نشان که کمال گرایی با ابعاد سلامت روانی (اختلالات روانی) (یعنی شکایت جسمی، وسواس اجبار، حساسیت بین فردی، افسردگی، اضطراب، ترس مرضی و سلامت روانی کلیه دانش آموزان دختر مراکز پیش دانشگاهی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد سرسختی روانشناختی با ابعاد سلامت روانی (اختلالات روانی) رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. دانش و همکاران (1387) پژوهشی به منظور میزان هوش هیجانی و سلامت عمومی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان انجام دادند. نتایج نشان داد که هوش هیجانی دانشجویان ممتاز از متوسط و ضعیف و دانشجویان متوسط از دانشجویان ضعیف بیشتر بود. پژوهشی که توسط امین یزدی و آزادی فلاح (1386) با عنوان رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی، بر روی دانشجویان مقطع کارشناسی انجام شد. بین سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی، رابطه مستقیم و معنی دار به دست آمد. سبک دلبستگی نا ایمن هم با هوش هیجانی رابطه معکوس و معنی دار داشتند همچنین مردان و زنان از نظر هوش هیجانی، تفاوت معنی داری نداشتند. تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که سبک دلبستگی میتواند پیش بینی کننده خوبی برای هوش هیجانی کلی و مؤلفه‌های آن باشد.

در پژوهش دیگری که توسط بشارت (1384) با عنوان بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی بر روی 200 دانشجوی دختر و پسر انجام شد، یافته‌ها نشان داد که سبک‌های دلبستگی رابطه معنی داری با هوش هیجانی دارند. سبک‌های دلبستگی ایمن، همبستگی مثبت و سبک‌های دلبستگی نایمن، همبستگی منفی با هوش هیجانی دارند. سبک‌های دلبستگی همچنین با راهبردهای گوناگون تنظیم عواطف، بر سطح هوش هیجانی تاثیر می گذارند.

گانینگ¹⁸ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی نقش هوش هیجانی به عنوان یک فاکتور تبیینی در رابطه با دلبستگی و پیوند مادر - کودک و همچنین ارتباطات اجتماعی پرداختند مطالعات اخیر بیان میکند که توانایی‌های هوش هیجانی برای کنترل و مدیریت هیجان‌ها در موقعیتهای چالش‌زا به نحوه‌ی دلبستگی افراد در دوران کودکی مرتبط است. به طور مثال: زنانی که هوش هیجانی پایینی داشتند، الگوهای بیشتری از رفتارهای نامناسب و مختل در خلال رفتار با کودکان شان، نشان دادند. این نتایج به حمایت از رشد آینده استفاده از ساختارهای هوش هیجانی در تشخیص مشکلات ارتباطی و دلبستگی می پردازد. در بررسی جانسون و همکاران (۲۰۰۹) نقش توانایی هوش هیجانی و مکان کنترل روی پنج



خصوصیت بزرگ شخصیت و سلامت عمومی در نمونه ای به حجم ۳۲۸ دانشجو انجام شد. نتایج آماری این پژوهش، اثر بخشی هوش هیجانی بر روی سلامت عمومی و خصوصیات شخصیت را نشان داد. آستین و همکاران (۲۰۰۴) پژوهشی در کانادا بر روی ۵۰۰ نفر و همچنین در اتریش بر روی ۲۴۴ نفر انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که بین هوش هیجانی و سلامت روانی و اجتماعی افراد رابطه معنی داری وجود دارد. اپل²¹ (۲۰۰۹) به بررسی رابطه میان سبک های دلبستگی و بخشودگی در بزرگسالی پرداخت. یافته ها نشان داد که رابطه مثبت معنی داری میان سبک دلبستگی ایمن و بخشودگی در روابط وجود دارد. نگرش های مثبت تر نسبت به بخشودگی، با رضایت از روابط با دیگران همراه بود. همچنین نتایج نشان داد نگرش نسبت به بخشودگی با سبک های دلبستگی اجتنابی و دو سوگرا رابطه منفی معنی داری دارد.

روش اجرای پژوهش

هدف از اجرای این پژوهش بررسی رابطه ی سبک های دلبستگی و سلامت روانی در بین دانشجویان دختر و پسر مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان بود. به همین منظور برای اجرای این پژوهش ابتدا با مراجعه به آموزش دانشگاه و تهیه لیستی از اسامی تمام دانشجویان، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده تعدادی از دانشجویان هر گروه انتخاب گردیده و سپس پژوهشگر به کلاس ها مراجعه نموده و با همکاری اساتید و دانشجویان پرسشنامه های خود را به طور تصادفی میان آنها تقسیم نمود. طرح پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است که به دنبال مشخص کردن رابطه بین سبک های دلبستگی و سلامت روانی دانشجویان (دختر و پسر) مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان می باشد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان (دختر و پسر) رشته های کارشناسی پیوسته مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان است که شامل دانشجویان رشته های روانشناسی بالینی، عمران، حسابداری، کامپیوتر، زبان و ادبیات انگلیسی و مترجمی زبان انگلیسی می باشد. نمونه پژوهش شامل 100 نفر از دانشجویان (دختر و پسر) کلیه رشته های کارشناسی پیوسته مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان می باشد.

پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان

در این پژوهش جهت سنجش سبک های دلبستگی از پرسشنامه ی دلبستگی بزرگسالان²² (RAAS) استفاده شده است. فرم اصلی و اولیه این پرسشنامه ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کالینز و رید²³ تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می دهد، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ دهندگان را در مقیاس لیکرت پنج درجه ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می کنند. این پرسشنامه دارای سه زیر مقیاس: وابستگی، که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می دهد، زیر مقیاس نزدیکی، که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می سنجد و زیر مقیاس اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می دهد. به هر یک از زیر مقیاس ها شش عبارت اختصاص یافته است.

پرسشنامه سلامت عمومی²⁴ (GHQ-28)

این پرسشنامه توسط گلدبرگ و هیلر²⁵ (979) ساخته شده است و سلامت عمومی آزمودنی ها را در چهار حیطة: (نشانه های جسمانی) حیطة A، (اضطراب و اختلال خواب) حیطة B، (اختلال در عملکرد اجتماعی) حیطة C و افسردگی حیطة D بررسی می نماید. این پرسشنامه که حاوی ۲۸ پرسش و ۴ خرده مقیاس است و هر مقیاس 7 پرسش دارد و از شناخته ترین ابزارهای غربالگری است و به صورت 60، 30، 28 و ۱۲ ماده طراحی شده است که در اینجا فرم ۲۸ ماده ای آن استفاده شده است. از عبارت 1 الی ۷ پرسشنامه موارد الی مربوط به مقیاس علائم جسمانی است. موارد ۸ الی



۱۴ علایم اضطرابی و اختلال خواب را بررسی کرده و موارد ۱۵ الی ۲۱ مربوط به ارزیابی علایم کارکرد اجتماعی است و نهایتاً موارد ۲۲ الی ۲۸ علایم افسردگی را می‌سنجد. برای جمع بندی نمرات به اصلاً، نمره صفر، در حد معمول، ۱، بیش از حد معمول، ۲، و خیلی بیشتر از حد معمول نمره ۳ تعلق می‌گیرد. در نتیجه حد اقل وحد اکثر نمره از صفر تا ۴۸ در نوسان است. در هر مقیاس از نمره ۶۰ در مجموع از نمره ۲۲ به بالا بیانگر علایم مرضی است. به عبارت دیگر در این پرسشنامه نمره پایین تر حاکی از بهداشت عمومی یا روان بهتر است و به هر یک از حیطه های چهار گانه این پرسشنامه یک نمره و به کل آن نیز یک نمره تعلق می‌گیرد و لذا از این مقیاس ۵ نمره جداگانه به دست می‌آید (نقل از تقوی، ۱۳۸۰).

تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش: با جمع آوری اطلاعات لازم از طریق مراجعه به آموزش مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان تعداد ۱۰۰ نفر را به عنوان نمونه پژوهش انتخاب کرده و میزان دل بستگی آن هارا با استفاده از پرسشنامه دل بستگی بزرگسالان (RAAS) و همچنین میزان سلامت روانی آنان را با پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ- ۲۸) سنجیده و با استفاده از فرمول آزمون همبستگی پیرسون رابطه معنی داری در هر دو گروه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته ها

فرض اصلی پژوهش آن است که بین سبک های دل بستگی (نزدیکی، وابستگی و اضطراب) و سلامت روانی دانشجویان (دختر و پسر) (موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنا داری وجود دارد. این فرض اصلی در فرضیه های ۱ تا ۹ زیر به تفکیک کل و جنسیت و همچنین مولفه های سبک دل بستگی مطرح شده است و یافته های مربوط به آن در جدول شماره ۱-۴ آورده شده است. ۱- بین خرده مقیاس نزدیکی و سلامت عمومی دانشجویان کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۲- بین خرده مقیاس نزدیکی و سلامت عمومی دانشجویان دختر کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۳- بین خرده مقیاس نزدیکی و سلامت عمومی دانشجویان پسر کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۴- بین خرده مقیاس وابستگی و سلامت عمومی دانشجویان کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۵- بین خرده مقیاس وابستگی و سلامت عمومی دانشجویان دختر کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۶- بین خرده مقیاس وابستگی و سلامت عمومی دانشجویان پسر کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۷- بین خرده مقیاس اضطراب و سلامت عمومی دانشجویان کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۸- بین خرده مقیاس اضطراب و سلامت عمومی دانشجویان دختر کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

۹- بین خرده مقیاس اضطراب و سلامت عمومی دانشجویان پسر کارشناسی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ی ۱-۴

ضریب همبستگی زیرمقیاس های دل‌بستگی با سلامت عمومی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت

تعداد	ضریب همبستگی	متغیر پیش بین	متغیر ملاک	گروه ها
۱۰۰	.۰/۲۶ **	خرده مقیاس نزدیکی	سلامت عمومی	کل
۱۰۰	-۰/۳۲ **	خرده مقیاس وابستگی		
۱۰۰	.۰/۲۴ *	خرده مقیاس اضطراب		
۵۰	.۰/۰۵	خرده مقیاس نزدیکی	سلامت عمومی	دانشجویان دختر
۵۰	-۰/۴۰ **	خرده مقیاس وابستگی		
۵۰	.۰/۳۱ *	خرده مقیاس اضطراب		
۵۰	.۰/۶۱ **	خرده مقیاس نزدیکی	سلامت عمومی	دانشجویان پسر
۵۰	-۰/۲۰	خرده مقیاس وابستگی		
۵۰	.۰/۱۷	خرده مقیاس اضطراب		

0/01 p<**

0/05 p<*

همانطور که جدول شماره نشان می دهد همبستگی خرده مقیاس نزدیکی با سلامت عمومی (۲=۰/۲۶) در کل نمونه دانشجویان می باشد که هر در سطح معنی دار می باشد که نشان دهنده ی وجود رابطه مثبت معنی دار بین مولفه نزدیکی در سبک دل‌بستگی با سلامت روان در کل دانشجویان موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان است. همچنین با توجه مقادیر ضریب همبستگی



به دست آمده در خصوص فرضیه های ۴ و ۷ ($r=0/32$ و $r=0/24$) نشان دهنده وجود رابطه معنی دار در سطح معنی داری $p=0/05$ است. بدین معنی که بین مولفه های وابستگی و اضطراب در سبک دلبستگی با سلامت روان در کل دانشجویان موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رابطه معنی دار وجود دارد. بنا براین با توجه به نتایج حاصل از این سه فرضیه فرض اصلی پژوهش دار بر وجود رابطه معنیدار بین سبک دلبستگی با سلامت روان در دانشجویان دختر و پسر موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان مورد تایید قرار می گیرد.

نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات وردی (۱۳۸۰)، نیسی و همکاران (۱۳۸۰)، امین یزدی و آزاد فلاح (۱۳۸۶)، بشارت (۱۳۸۴)، عبودی (۱۳۸۳)، غیائی (۱۳۸۱)، هاماراتا، دی نایزو سال تال (۲۰۰۹)، جانسون، بتی، هلدزورث (۲۰۰۹) و آستین، سالکدفسکی و وین سنت (۲۰۰۴) همخوانی و همسویی دارد و با نتایج تحقیقات دانش و همکاران (۱۳۸۷) ناهمخوان نا همسو می باشد.

در نهایت پیشنهاد می گردد که:

- ۱- این پژوهش در سایر جوامع نیز صورت گیرد و نتایج حاصل با یکدیگر مقایسه گردد.
- ۲- همچنین موضوع پژوهش با دامنه سنی گسترده تر به منظور مطالعه تاثیر متغیرهای دیگر بر سلامت روان انجام گیرد.
- ۳- مسئولین آموزشی به سلامت روانی دانش آموزان در سنین پایین اهتمام ورزیده و توجه بیشتری به پیشگیری اولیه (اطلاع رسانی) در زمینه حوزه سلامت عمومی افراد جامعه انجام گیرد.
- ۴- رابطه ویژگیهای شخصیتی با سبک های دلبستگی و سلامت روانی با مکانیزم های دفاعی مورد بررسی و مطالعه بیشتر قرار گیرد.

منابع

- امین یزدی، سید امیر و آزاد فلاح، پرویز (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و سبک های دلبستگی، تازه های علوم شناختی، سال هشتم، شماره ۳۷، ۱-۳۱
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). بررسی سبک های دلبستگی و هوش هیجانی، اندیشه های نوین تربیتی، سال سیزدهم، شماره ۵، ۱۸-۷
- برک، لورا (1387) روانشناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات ارسباران
- پورفرجی، سید فرج (۱۳۸۰). پایان نامه کارشناسی ارشد. مقایسه عملکرد تحصیلی و سلامت روانی و جسمانی دانش آموزان پسر فاقد و واجد پدر شهر اهواز. دانشگاه شهید چمران.
- خوشای، کتایون، ابوحمزه الهام (۱۳۸۶) جان بالبی، نظریه دلبستگی. تهران انتشارات دانژه
- دانش، عصمت، کاکاوند، علی رضا و مدیر روستا، فاطمه (۱۳۸۷). تاثیر هوش هیجانی و سلامت عمومی بر پیشرفت تحصیلی. مجله مطالعات جوانان، شماره 13
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی (۱۳۸۲). تاریخ روانشناسی نوین، ترجمه علی اکبر سیف، حسن پاشاشریفی، خدیجه علی آبادی و جعفر نجفی. تهران: انتشارات دوان
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی (۱۳۸۴). نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات ویرایش فدایی، فرید (۱۳۷۳). پیشگامان روان شناسی رشد. تالیف: ویلیام کرین. تهران: انتشارات اطلاعات.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۵). روانشناسی شخصیت، تهران: انتشارات آگاه
- گنجی، حمزه (۱۳۸۶). بهداشت روانی چاپ هفتم. انتشارات ارسباران
- ماسن، پاول، جروم، هوستون، آلتاسی، کانجر، جین (۱۳۸۲). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: انتشارات ماد.
- میلانی فر، بهروز (۱۳۸۸). بهداشت روانی، تهران- چاپ دهم انتشارات قومی.
- وندرزندن - جیمز دبلیو (۱۳۸۵) روانشناسی رشد. ترجمه حمزه گنجی. چاپ دوم انتشارات ساوالان.



- Ainsworth, M.D.S., Blehar , M.C, waters .E,& wall, S .,(۱۹۷۸) . patterns of attachment .Hillsdale . NJ: Erlbaum.
- Anustin , J . E. saklofske , H . D ., & vinsent,E. (۲۰۰۴). Personality , weel being and health correlates of trait emotional intelligence Department of Emotion to psychology and special Educati , Canada Elsevier .
- Aple,s.(۲۰۰۹) communicating for giveness within Adultsibling relation ships.master Applied communicating theory methodology , college of liheral Arts And social sciences .
- Bowlby,J.(۱۹۷۳). Attachment and loss ;vo۱۲ .separation . New York; Basic Books .
- Feeny, J ., and noller .P.(۱۹۹۰) . Attachment style and verbal descriptions of romdntic parents . Journal of social and personali relationships,&(۱۸۱.۲۱۵).
- Ganning , M.D., Waugh ,H., Robertson , f ., & Holmes ,B.(۲۰۱۱).emotional intelligence attachment and communication community practitioner , ۸۴. ۲۷. ۳۱.
- Hamarta , E., Deniz , M.E.,& Saltal , N . (۲۰۰۹) . attachment syles as predictor of emotional intelligence . Department of Education sciences , ۲۱۳- ۲۲۹.
- Johnson , s . J . BATEY ,m.,& Holds worth, L .(۲۰۰۹). Personality and health the mediating role of trait emotional intelligence and work locus of control Manchester Business school , university of Manchester.